

تعاریف و شاخص‌های رقابت و انحصار

## در بند انحصار

هستند. در حال حاضر مهمترین مسأله انحصارها در کشورمان، بنگاه‌هایی هستند که در مجموعه بخش غیرخصوصی قرار دارند و تعداد زیادی از آنها تحت مالکیت و مدیریت نهادها و بنیادها می‌باشند و دولت هیچ‌گونه کنترلی در مدیریت آنها ندارد.

## شاخص‌های سنجش

در ادبیات اقتصادی سه محور برای تشخیص و اندازه‌گیری قدرت بازاری مطرح شده است که عبارتند از: الف) نوع کالا: توانایی بنگاه برای کنترل قیمت محصولات تولیدی خود معیار مناسبی برای اندازه‌گیری قدرت بازاری بنگاه می‌باشد که در این مورد، کشش قیمتی تقاضا (Own - Price Elasticity) و کشش متقاطع تقاضا (Cross - Price Elasticity) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) عملکرد بنگاه: قیمت، سود، کارایی فنی و فروش از جمله متغیرهایی هستند که جهت محاسبه شاخص قدرت انحصاری مطرح هستند و شامل شاخص لرنر (Lerner) و شاخص بین (Bain) می‌باشند.

ج) ساختار صنعت: دشواری‌های اندازه‌گیری شدت قدرت انحصاری بر اساس نوع کالا و عملکرد بنگاه و نیاز عملی وجود چنین معیاری، نهایتاً بسیاری محققان را بر آن داشت تا توجه خود را معطوف به اندازه و توزیع بنگاه‌های فعال در یک صنعت نمایند. به این ترتیب، در اکثر موارد منابع بر اساس کدهای ISIC (Standard Industrial International Classification of all Economic Activities) طبقه‌بندی و تفکیک می‌شوند. محاسبه شاخص‌های تمرکز حاکی از وجود تمرکز قابل توجه در صنایع ایران است که با تعمیم تعریف بنگاه‌های دولتی به عمومی - شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری دولتی، نهادها و دیگر سازمان‌ها - تمرکز در این شاخص‌ها به شدت افزایش می‌یابد. از این رو، اهمیت تعدیل ساختار مالکیت، نحوه اداره و تصمیم‌گیری ضروری است.

دستیابی به نتایج موردنظر از اقتصاد متکی بر بازار، در گروی عملکرد رقابتی بازارها است.



یک بنگاه، زمانی از قدرت انحصاری برخوردار است که بتواند قیمت داده یا ستانده مشخصی را در بازار مربوطه کنترل نماید. در برخی از موارد، کارایی نسبی بالای بنگاه از تبانی و سازش با سایر رقیبان یا حرکات استراتژیک به دست می‌آید و زمانی، تبانی با مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی منجر به کسب قدرت انحصاری توسط بنگاه می‌شود.

## رقابت

انحصارات زیان‌آور را دخالت‌های دولت یا قانون‌گذار در فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند.

## انحصارهای مفید و مضر

انحصارهای مفید شامل انحصارهای طبیعی، انحصار ناشی از لیسانس‌های انحصاری، انحصار ناشی از بازده نسبت به مقیاس و انحصار ناشی از کارایی و نوآوری است - اگرچه انحصار به خودی خود به دلیل ایجاد زیان ثابت، مضر است. در مقابل، انحصارهای زیان‌آور شامل انحصارهای ناشی از تبانی، برخورداری از موقعیت مسلط، حرکات استراتژیک، سوء استفاده از اطلاعات و سیاست‌های حمایتی می‌باشد. از نظر مالکیت و کنترل نیز انحصارها به دو نوع انحصار بخش خصوصی و انحصار بخش غیر خصوصی قابل تفکیک

درک بسیاری از اقتصاددانان از رقابت، الگوی رقابت کامل است و این باعث شده بسیاری از آنها توجه خود را معطوف به رقابت قیمتی (Price Competition) نمایند. هدف از رقابت و آزادسازی، برقراری مکانیزم پویای بازار در قیمت‌گذاری، جریان آزاد اطلاعات، تخصیص بهینه منابع و افزایش کارایی در تولید، توزیع و مصرف بهینه کالاها در نظام بازار است. بنگاه‌ها با تولید کالاهای مشابه و ورود و خروج خود از بازارهای مربوطه با یکدیگر رقابت می‌کنند (Imitative Output Competition) و این رقابت زمانی شدت می‌یابد که هیچ بنگاهی به تنهایی نتواند عرضه و قیمت را کنترل نماید. رقابت از طریق نوآوری و ارائه محصولات برتر (Innovative Competition)، یکی از مهمترین شکل‌های رقابت است. بنگاه‌ها از طریق ارائه کالاهای با کیفیت نیز با یکدیگر رقابت می‌نمایند (Quality Competition). یکی از نتایج این نوع رقابت، مصرف کالاهای مارک‌دار است. به طور خلاصه، کاهش قیمت‌ها، ارائه کالاها با کیفیت‌های متنوع و بهبود دسترسی مصرف‌کنندگان به کالاها و خدمات، از جمله مهمترین نتایج رقابت در ابعاد مختلف آن است و از میان برداشتن موانع ورود، خصوصاً موانع قانونی، مهمترین اقدام در جهت ایجاد شرایط رقابتی است.

## دولت، سرچشمه انحصار

بزرگترین چالش در عرصه آزادسازی، دخالت دولتی وابسته به درآمدهای نفتی است.

به جرأت می‌توان گفت دولت و قانون‌گذار با ایجاد موانع ورود، مهمترین سرچشمه انحصارهای زیان‌آور هستند. البته بیان فوق به این معنی نیست که بخش خصوصی با حرکات استراتژیک (مانند قیمت‌گذاری تهاجمی) یا تبانی نمی‌تواند انحصارهای زیان‌آور به وجود آورد یا تمام انحصارهای بخش عمومی غیر کارا هستند. اما در حال حاضر بزرگترین چالش در عرصه آزادسازی اقتصادی ایران، حضور و دخالت گسترده دولتی وابسته به درآمدهای کلان نفتی با درجه بسیار کم پاسخگویی و عملکرد غیر شفاف است. همچنین سیاست‌های کنترل اقتصادی با قیمت‌گذاری منابع در سطحی کمتر از قیمت تعادلی و تخصیص آن از طریق مکانیزم‌های اداری، علاوه بر ایجاد سودهای انحصاری، زمینه را برای ایجاد فساد اداری آماده می‌سازد. از سوی دیگر، نوسان در این سیاست‌ها سبب ایجاد عدم اطمینان و کاهش سود انتظاری و در نتیجه، کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. یکی از متداول‌ترین سیاست‌های دولت، ایجاد محدودیت در تجارت خارجی است. سیاست اقتصادی درهای بسته یا تعرفه‌های بالا، سبب تضعیف انگیزه رقابتی بنگاه‌های داخلی خواهد شد. محدودیت اطلاع‌رسانی، افزایش هزینه‌های قراردادی، عدم عملکرد مطلوب سازمان‌های استاندارد، قوانین و مقررات دست و پاگیر و غیر شفاف که تضمین‌کننده حقوق مالکیت و امنیت سرمایه‌گذاری نیست، حضور کمرنگ نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی، احزاب، اصناف و سندیکا در کنار فقدان نهاد قضایی مقتدر، بی‌طرف، سریع، ارزان و کارا که شرط اجرای قوانین آزادسازی است، از مشکلات موجود در روند رقابت‌پذیری به حساب می‌آیند. به این ترتیب می‌توان گفت تا زمانی که سود در انحصار هست نه در رقابت، حرکات بنگاه‌ها برای ایجاد انواع انحصار با خلاقیت تمام ادامه خواهد داشت. ■

## سرچشمه انحصار

دو نظریه عمومی در خصوص شکل‌گیری انحصارات وجود دارد: نظریه اول، خودکفایی (Self Sufficiency) است که سرچشمه انحصارها را حرکات بنگاه‌های یک صنعت، بدون مداخله دولت می‌داند. طرفداران این نظریه معتقدند، بازارهای ناقص سرمایه، بازده نسبت به مقیاس و تبلیغات، مانع ورود و رقابت بنگاه‌های جدید و بنابراین ایجاد شرایط انحصاری می‌گردند. نظریه دوم، مبنای مداخله‌گرانه (Interventionism) داشته و طرفداران آن، سرچشمه تمام